

کلامی چند درباره طومارنویسی کارگران ساختمانی کردستان

کمیته هماهنگی

چهارشنبه اول آبان ۱۳۸۷

کارگران ساختمانی کردستان با ارسال طوماری برای هیئت رئیسه مجلس خواستار دفاع مجلسیان از بیمه کارگران ساختمانی شده اند. محتوای این نامه عمدتاً هشدار به نمایندگان مجلس برای رعایت بندها و مواد و تبصره های مختلف قانون اساسی است. بند ۹ اصل ۳، بند ۱۲ اصل ۳، اصل ۲۹ بند فلان و مانند این ها. این که چرا کارگران به نوشتن این طومار اقدام کرده اند برای ما کاملاً قابل فهم است. نمی توان منکر شد که بسیاری از کارگران درحالی که به طور عینی و مادی علیه سرمایه مبارزه می کنند به قوانین سرمایه توهم دارند و به آن استناد می کنند. و آفریننده این توهم نیز خود مناسبات سرمایه داری است. به عبارت دیگر، توهم کارگران به قوانین سرمایه داری امری صرفاً ذهنی نیست و مبنایی عینی در درون خود جامعه سرمایه داری دارد. گرایش به قانون و رفرمیسم را در میان کارگران خود مناسبات سرمایه داری بازتولید می کند. درست است که سندیکالیست ها و احزاب رفرمیست اعم از چپ و راست برای خدمت گذاری به نظام سرمایه داری این گرایش را تئوریزه و رهبری می کنند اما اینان فقط بر بستر این گرایش عینی و مادی می توانند این کار را بکنند. بنابراین، یک دلیل طومارنویسی کارگران ساختمانی کردستان و استناد آن ها به قانون سرمایه توهم بخش هایی از آنان به این قانون است. اما این تمام مسئله نیست. هستند کارگران بسیاری که به قوانین سرمایه داری توهم ندارند و نیز خوب می دانند که معضل دولتیان و از جمله هیأت رئیسه یا اعضای مجلس سرمایه بی اطلاعی از این قوانین نیست. آنان می دانند که کلمه به کلمه آنچه در جامعه سرمایه داری نام قانون بر خود دارد توسط متفکران، نمایندگان سیاسی، حقوق دانان و زعمای نظام بردگی مزدی طرح و تنظیم و تصویب شده است. بیشتر کارگران ساختمانی کردستان و بخش زیادی از کارگران ایران و جهان، اگرچه به صورت خودجوش و خودانگیخته، اما به هرحال تضاد و تعارض آشتی ناپذیر خویش با سرمایه داران، دولتمردان سرمایه و نظام سرمایه داری را درک می کنند. خیلی خوب می دانند که قانون سرمایه قرار نیست مدافع حقوق آنان باشد. خوب می دانند که منافع آنان با منافع سرمایه داران مشترک نبوده و نمی تواند باشد. از این گذشته خوب هم می دانند که با عریضه نویسی و توسل به قانون گری از مشکلات آن ها گشوده نمی شود. این کارگران مانند بسیاری از کارگران ایران این حقایق را خوب می دانند و این جاست که ما در مقابل این سؤال قرار می گیریم که پس چرا این کارگران به رغم فقدان توهم به قوانین سرمایه داری باز هم به این قوانین استناد می کنند و به عریضه نویسی و ارسال طومار به مقامات سرمایه روی می آورند؟ به نظر ما، علت این امر آن است که این کارگران خود را در حالت استیصال، ناتوانی و فقدان راه چاره عملی برای اعمال قدرت متحد طبقاتی احساس می کنند. راز توسل آنان به طومار نویسی و رجوع به قانون سرمایه در اینجا نهفته است. آن ها خود را در موقعیتی سخت ضعیف مشاهده می کنند و همین احساس ضعف است که آنان را به سمت نوشتن طومار و بستن دخیل به دار قانون سرمایه سوق می دهد.

این بی قدرتی و احساس ضعف بدبختانه در فرهنگ و ایدئولوژی احزاب و فرقه ها تعبیری سخت و اروونه پیدا کرده است. این ها چنین وانمود می کنند که گویا کارگران عموماً و به طور مثال همین دوستان کارگر ساختمانی کردستان اصلاً تضاد و تعارض خود با سرمایه و سرمایه داران و دولت سرمایه داری را نمی فهمند. و گویا تنها مشکل آن ها این است که باید عده ای نخبه و شایسته و اهل فهم از خارج طبقه آن ها و آن چنان که خودشان می گویند دانشوران طبقات بالا یعنی همان اصحاب احزاب و گروه ها بیابند و اینان را از ورطه گمراهی به راه راست هدایت کنند!! ما در اینجا قصد تشریح این بحث را نداریم زیرا در باره بی پایه و اروونه بودن این دریافت ها به اندازه کافی بحث کرده ایم. روی سخن ما نه با هیچ دار و دسته و حزب و فرقه بلکه فقط با همزنجیران درون طبقه خود یعنی کارگران ساختمانی کردستان و همه کارگران همسرنوشت آنان است. مشکل اصلی بسیاری از این کارگران احساس ضعف و بی قدرتی و فقدان توان لازم برای اعمال قدرت مؤثر علیه دشمن طبقاتی است. آنان در غیاب این توانایی احساس می کنند که «کاچی بهتر از هیچی» است. با خود می گویند شاید حالا که کار دیگری از دستمان ساخته نیست با الحاح و عجز و لابه بتوان در دل سنگ دولتمردان ضدکارگر راهی بازکرد. طومارنویسی این دوستان حدیث دنیای یأس و احساس عجز آنان است. درست به همین دلیل همه حرف های ما نیز روی محور ضعف و فروماندگی و احساس استیصال متمرکز است. واقعیت این است و تمامی تجارب تاریخی به ما یاد داده است که اگر هم با خواهش و حیلت و حالت بتوان حتی در سنگ خارا راهی بازکرد در دل سخت تر از سنگ خارا سرمایه داران و دولتمردان نظام سرمایه داری امکان گشودن هیچ راه و روزنه ای وجود ندارد. نمی توان واقعیت زمخت بی قدرتی و ضعف را به حال خود رها کرد و تلاش برای رفع آن را با «کاچی بهتر از هیچی» جایگزین ساخت. هیچ راهی برای ما وجود ندارد جز این که بر موقعیت ضعیف و فرسوده و متشتت خود غلبه کنیم. قبل از هر چیز باید قبول کرد که این کار یعنی غلبه بر وضعیت اسفبار پراکندگی و ناتوانی امکان پذیر است. تاریخ همه جا با صدای بلند این امکان پذیری را فریاد زده است. خود کارگران کردستان در طول همین ۳۰ سال اخیر و در متن گسترده ترین حمام خون های دولت سرمایه داری دنیایی مبارزه کرده اند. یک معضل اساسی در مورد این مبارزات آن بوده که اهداف واقعی طبقاتی مان و تحقق انتظارات و مطالبات ضدسرمایه داری ما را دنبال نمی کرده است. ما متشکل شده ایم، اما به صورت پیشمرگ جنبش های دیگر و به عنوان سیاهی لشکر رفرمیسم راست یا چپ وارد میدان شده ایم. خطر کرده ایم و بسیار هم وسیع و حاد و جدی خطر کرده ایم، اما نه در هیئت فعالان طبقه خویش برای سازمانیابی جنبش ضدسرمایه داری توده های همزنجیر بلکه در چهارچوب یک رژیم ستیزی خلقی و ضدامپریالیستی و غیرکارگری که نمایندگان جنبش های دیگر پیش روی ما قرارداده اند. در یک کلام، ما سال ها مبارزه کرده ایم، خطر کرده ایم و دست به سازمان دادن توان خویش زده ایم. پس، ما از عهده انجام این کارها بر می آییم. اساس بحث این است که باید این کارها را در میدان واقعی کارزار طبقاتی خود علیه سرمایه انجام دهیم. باید خودمان به عنوان فعالان جنبش ضدسرمایه داری طبقه مان عزم جزم کنیم و برای سازمانیابی وسیع توده ای خویش علیه سرمایه دست به کار شویم. باید دست همدیگر را بفشاریم و «منشورمطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران» را به نقطه عزیمت مبارزه شورایی و سراسری خود علیه سرمایه تبدیل کنیم.

همزنجیران!

بسیاری از شما مثل روز روشن می دانید که با طومارنویسی هیچ گرهی از هیچ مشکل کارگران حل نخواهد شد. قانون

نه وسیله احقاق حق ما کارگران بلکه ابزار دست سرمایه داران برای درهم کوبیدن هر جنب و جوش ضدسرمایه داری ماست. آنچه سرمایه داران و دولت شان آن را حق می نامند دنیای ناحقی و ظلم و ستم علیه ماست. نه توسل به قانون و نه نگاشتن طومار هیچ کدام علاج درد ما نیست. باید به پا خیزیم، باید بر تشنت و ضعف و فروماندگی خود غلبه کنیم. باید متشکل شویم و با اتکا به قدرت متحد و شورایی خود نظام سرمایه داری را به چالش بکشیم. با اتکا به قدرت متحد خود مطالبات روزمان را بر نظام سرمایه داری تحمیل کنیم و از درون شوراهای سراسری ضدسرمایه داری توده های طبقه مان برای نابودی نهایی نظام سرمایه داری و استقرار جامعه ای عاری از هرگونه کارمزدی به پیش تازیم. این تنها راه نجات ماست.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۳۰ مهر ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com